

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد      بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

## چشمه یقین

سوخته هست و بود من ، دیده به دیده رو به رو  
قصه عشق سر کنم ، شانه به شانه مو به مو  
شام سیاه زلف تو ، صید نموده مرغ دل  
دانه فتاده یک به یک ، دام نهاده دو به دو  
آتش عشق می جهد ، از پی و رگ رگ روان  
لحظه به لحظه دم به دم ، آه به آه و هو به هو  
از ازل سرشته اند ، مهر تو در نهاد من  
نمل به نمل لا به لا ، ذره به ذره تو به تو  
گر چه شکست ، بحر غم ، زورق آرزوی من  
دیده به پیش میبرد ، رود به رود و جو به جو  
گر تو مجاب میکنی ، زائر درگهت شوم  
پای پیاده می دوم ، دشت به دشت و کو به کو  
عمری به جست و جوی تو ، بستر و بالش شده  
خار به خار و گل به گل ، سنگ به سنگ و چو به چو  
می دم از وفای تو ، مژده وصل ، دم به دم  
میوزد از نگاه تو ، خرمن بوسه سو به سو  
آمدنت بهار من ، روح دم ، چمن چمن  
غنچه به غنچه گل به گل ، لاله به لاله فو به فو  
بلبل و سار و صلصل و غچی ، به عشق و عاشقی  
قمری به قمری گلی به گلی کبک به کبک و غو به غو  
قامت سرو ناز تو ، سایه فگنده بر سرم  
شاخه به شاخه قد به قد ، رنگ به رنگ و بو به بو  
گرم لبان نرم تو ، نرم دهان گرم تو  
شیر و عسل ، مزاج تو ، طبع به طبع و خو به خو  
باخته ام قمار دل ، آی و مقابلم نشین  
دار و ندار من تویی ، جیک به جیک و لو به لو

فرشی به زیبِ مقدمت ، بافتم ، از صفای جان  
 مهر به مهر و دل به دل ، (تار به تار و پو به پو)  
 صوم و صلاتِ عاشقان ، مُنتظرِ هلالِ نو  
 عید و براتِ ما تویی ، جشن به جشن و طو به طو  
 هست همه ز هستِ تو ، مست همه ز مستِ تو  
 بنده به بنده رب به رب ، برده به برده ذو به ذو  
 در دو جهان به مثلِ تو ، نه ملک و نه آدمی  
 مرد به مرد و زن به زن ، خور به خور و خو به خو  
 زینتِ سفته های من ، وزن و ردیف و قافیه  
 جوهر گوهراز توشد ، این به این و او به او  
 «نعمت» حریرِ واژه را ، شسته به چشمِ یقین  
 خشک به خشک و تر به تر ، اُتو به اتو ، شو به شو

### معانی بعضی از لغات :

- ۱- (هو= آه ، دم ، نفس ) ۲- (نَمَلَه = ذره ، گرد ) ۳- (غُو = مرغابی )
- ۴- ( چُو = چوب ) ۵- ( جَبِک = صفحه عکس دار در ورق بازی )
- ۶- ( فُو = سُنْبُل کبیر ، سُنْبُل کوهی ) ۷- ( لُو = خال یا صفحه بدون عکس در ورق بازی ) ۸- ( طُو = ضیافت ، جشن ، مهمانی )
- ۹- ( ذو = صاحب ، خداوند ، دارنده ، دارا ) ۱۰- ( شو = آهار که به پارچه ها میدهند ، شستن ، شوهر ) ۱۱- ( خو = زنان گندمگون خوشگل ، خوش هیکل و چشم سیاه با لبهای پهن و جذاب )